

بررسی رابطه نقش سواد رسانه‌ای و سبک فرزندپروری با آسیب‌های فضای مجازی در مقطع ابتدایی پایه پنجم دبستان

فرناز ابهرزنجانی^۱، آرزو خردمند^۲

^۱ عضو هیأت علمی و استادیار، گروه روانشناسی، مؤسسه آموزش اقبال لاهوری، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد آموزش و پرورش: آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه نقش سواد رسانه‌ای و سبک فرزندپروری با آسیب‌های فضای مجازی در مقطع ابتدایی پایه پنجم دبستان می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه والدین دانش آموزان مقطع پنجم دبستان شهرستان شیروان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰ تشکیل داده بودند که تعداد ۹۰ نفر از والدین دانش آموزان مقطع پنجم دبستان با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد محقق ساخته سواد رسانه ای (فلسفی، ۱۳۹۳)، پرسشنامه آسیب های فضای مجازی (زندوانیان و همکاران، ۱۳۹۲)، پرسشنامه سبک فرزند پروری (حسین پور، ۱۳۸۱) استفاده گردید. روش تحقیق این پژوهش از نوع همبستگی و رگرسیون بود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده های تحقیق، مبین رابطه معنادار میان نقش سواد رسانه‌ای و سبک فرزندپروری با آسیب‌های فضای مجازی بوده است.

واژه‌های کلیدی: سواد رسانه ای، سبک فرزندپروری، آسیب های فضای مجازی، والدین، دانش آموزان

مقدمه:

وقتی صحبت از فضای مجازی به میان می آید مردم اغلب به کامپیوتری فکر می کنند که به اینترنت متصل است، در حالیکه این فقط بخش بسیار کوچکی از فضای مجازی را تشکیل می دهد. از نگاه دیوید بل (۲۰۰۱)، فضای مجازی فقط مجموعه ای از سخت افزار نیست بلکه مجموعه ای از تعاریف نمادین است که شبکه ای از عقاید و باورها را در قالب داد و ستد بیت آرد و بدل می کنند. فضای مجازی عنوانی برای دنیایی کم سابقه و نوظهور در عصر پیدایش و گسترش رسانه های جدید ارتباطی است که بیش از دو دهه از رواج آنها در جهان نمی گذرد. می توان فضای مجازی را جهان ارتباط متقابل رایانه ها و جامعه حاصل از این ارتباطها دانست (بردیو، ۲۰۲۰)

دهقان (۱۳۸۴) معتقد است فضای مجازی یک شبکه گسترده جهانی است که شبکه های مختلف رایانه ای در اندازه های متعدد و حتی رایانه های شخصی را با استفاده از سخت افزارها و نرم افزارهای گوناگون و با قراردادهای ارتباطی به یکدیگر وصل می کند. فناوری های ارتباط راه دور، اساس فضای مجازی را تشکیل می دهند. استفاده بی رویه از فضای مجازی و عدم آموزش های لازم جهت استفاده بهینه و صحیح از آن موجب مشکلاتی برای استفاده کنندگان از آن و بخصوص دانش آموزان گردیده است (گیدنس، ۲۰۱۹).

نگاهی به آمار کاربران ایرانی شبکه های اجتماعی که توسط مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا) وابسته جهاد دانشگاهی ارائه شده نشان می دهد که در مجموع گروه سنی ۱۲ تا ۱۷ سال با ۶۷ درصد، گروه سنی ۳۰ تا ۴۹ ساله با ۵۳ درصد و افراد بالای ۵۰ سال با ۲۵ درصد به ترتیب اصلی ترین گروه های سنی استفاده کننده از این ابزارهای ارتباطی هستند. در مجموع ۶۶ درصد از مردم دست کم از یکی از شبکه های اجتماعی استفاده می کنند که ۴۶/۷ درصد فقط شبکه های اجتماعی خارجی، ۳/۹ درصد فقط شبکه های اجتماعی داخلی، و ۱۴/۱ درصد هم از شبکه های اجتماعی داخلی و خارجی استفاده می کنند (دایرگارتن، ۲۰۱۷). اگرچه آمار و ارقام قابل استنادی در مورد میزان حضور کودکان (تا پیش از سن ۱۲ سالگی) و نوجوانان (تا پایان ۱۹ سال) در سطح کشور وجود ندارد، اما می توان گفت که درصدی از کودکان و نوجوانان ایرانی نیز همچون بسیاری از کشورهای دیگر در شبکه های اجتماعی یا پیام رسانها عضویت دارند. در سطح جهانی، گزارش "نگرش ها و استفاده رسانه ای والدین و کودکان" نشان می دهد که یک درصد از کودکان ۳ تا ۴ ساله گوشی هوشمند تلفن همراه دارند، ۲۱ درصد از آنها تبلت شخصی دارند، و ۵۳ درصد نیز هشت ساعت در هفته آنلاین می شوند. در رده سنی ۵ تا ۷ سال، پنج درصد کودکان گوشی هوشمند تلفن همراه و ۳۵ درصد نیز تبلت شخصی دارند و همچنین ۷۹ درصد از آنها ۹ ساعت در هفته آنلاین هستند. در رده سنی ۸ تا ۱۱ سال، ۳۹ درصد گوشی هوشمند تلفن همراه و ۵۲ درصد تبلت شخصی دارند و ۹۴ درصد نیز به صورت هفتگی ۱۳ ساعت و نیم آنلاین هستند. در رده سنی ۱۲ تا ۱۵ سال، ۸۳ درصد گوشی هوشمند تلفن همراه و ۵۵ درصد نیز تبلت شخصی دارند. ۹۹ درصد از کودکان در این رده سنی در هفته ۲۱ ساعت آنلاین هستند (گایدنس، ۲۰۱۸).

اگرچه امروزه رشد روزافزون رسانه ها و فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی به ویژه شبکه های اجتماعی مجازی، موجب تسهیل در برقراری تعاملات و مناسبات ارتباطی میان افراد انسانی شده اما در عین حال می تواند عاملی تهدید کننده نیز باشد. وابستگی روز افزون مخاطبان به شبکه های اجتماعی و صرف کردن زمان های طولانی برای انتشار پست، باز نشر پست های سایرین، لایک

کردن و امتحان کردن سایر قابلیت های که این شبکه ها در اختیار آنها قرار می دهند، نوعی از اعتیاد به شبکه های اجتماعی مجازی بوجود آورده است. این اعتیاد به شبکه های اجتماعی عوارض روحی متفاوتی برای کاربران دارند، افسردگی، خجالتی شدن، گوشه گیری و تمایل به دوری از اجتماع و کاهش اعتماد به نفس از جمله این عوارض است (آفکام، ۲۰۱۴).

تأثیر نقش والدین بر رابطه فرزندان شان با رسانه ها، طیفی از مصرف همه رسانه ها در طول روز تا هیچ رسانه ای در تمام طول روز را تشکیل می دهد (الا، ۲۰۱۹).

یکی از راه های کاهش اثرات مخرب یادشده بالا بردن سواد رسانه ای والدین مطرح می گردد؛ از آنجایی که والدین بیشترین تأثیر را بر زندگی نوجوانان شان دارند، سواد رسانه ای، توانایی دسترسی به پیام عاری از خطا را برای نوجوانان فراهم می سازد. سواد رسانه ای نوعی درک متکی بر مهارت است که می توان بر اساس آن انواع رسانه ها را از یکدیگر تمیز داد و انواع تولیدات رسانه ای را از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد. سواد رسانه ای سعی دارد آگاهی آحاد افراد جامعه را به شکل های مختلف پیام، در زندگی روزانه افزایش دهد و به نوجوانان یاری دهد تا بینش ها و باورهای مردم را ارزیابی کرده، فرآیند شکل گیری فرهنگ عمومی را مورد بررسی قرار دهد (ناکایاما، ۲۰۲۰).

از طرفی یکی از ابعاد ارتباطات خانوادگی که به خاطر حضور در شبکه های اجتماعی با چالش مواجه شده است، سبک تربیتی فرزندان است. ایجاد فضای آزادی مطلق برای فرزندان بدون نظارت پدر و مادر در برخی از موارد ره آورد این شبکه ها است. اما موافقان حضور در شبکه های اجتماعی بر این اعتقادند که استفاده از شبکه های اجتماعی روشی مفید برای کسب آگاهی بیشتر افراد از پدیده های علمی و فرهنگی در جهانی است که تا حد یک دهکده کوچکتر شده است. طرفداران استفاده از این رسانه ها بر این باورند که ارتباط و دریافت اطلاعات حق هر انسانی می باشد و جلوگیری از جریان آزاد اطلاعات و یا ممانعت افراد از کسب اخبار، بی مورد و مخدوش کننده آزادی های فردی افراد محسوب می شود (یونسکو، ۲۰۱۷).

بروز آسیب های نوظهور از جمله آسیب های ناشی از فضای مجازی، می تواند زمینه ساز نوع جدیدی از آسیب های اجتماعی و روانی باشد. به همین دلیل، برنامه ریزی برای شناسایی، پیشگیری و کاهش آسیب های ناشی از فضای مجازی لازم و ضروری می نماید. آسیب های ناشی از فضای مجازی، آسیب های مرتبط با فناوری های جدید است که آسیب های ناشی از استفاده از ماهواره، بازی های رایانه ای، تلفن همراه و اینترنت می توانند در این مجموعه قرار گیرد. در این پژوهش سعی شده است با توجه به اهمیت فضای مجازی و استفاده بیش از حد از رسانه های مجازی به بررسی رابطه نقش سواد رسانه ای و سبک فرزندپروری با آسیب های فضای مجازی دانش آموزان پرداخته شود تا از این طریق بتوان با آموزش و برنامه ریزی جهت خانواده ها و دانش آموزان از آسیب های فضای مجازی برای دانش آموزان جلوگیری شود. بنابراین سوال اصلی این پژوهش چه ارتباطی بین سواد رسانه ای و سبک فرزندپروری با آسیب های فضای مجازی در مقطع ابتدایی پایه پنجم دبستان وجود دارد؟

روش کار:

تحقیق حاضر از نظر روش گردآوری داده ها، توصیفی-پیمایشی و از نوع همبستگی می باشد. توصیفی از آن جهت که یافته ها به همان صورت که جمع آوری شده اند، بدون هیچ گونه دستکاری توصیف می گردند. همبستگی از آن جهت که روابط بین متغیرها بررسی شده و رابطه بین متغیر پیش بین و متغیرهای ملاک ارزیابی می شوند. از آن جا که اطلاعات توسط یک نمونه تصادفی از جامعه اصلی به وسیله پرسشنامه بدست آمده بعد پیمایشی این بررسی نیز تأمین گردیده است.

جامعه آماری، جامعه‌ای است متشکل از افراد یا واحدها که دارای حداقل یک صفت مشترک باشند (سرمد و همکاران، ۱۳۹۵). جامعه آماری پژوهش حاضر، والدین دانش آموزان مقطع پنجم دبستان شهرستان شیروان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰ هستند. برای تعیین حجم نمونه آماری از فرمول کوکران استفاده شده است. طبق فرمول کوکران حجم نمونه مکفی برای جامعه ۹۰ نفر از والدین دانش آموزان مقطع پنجم دبستان شهرستان شیروان می باشد.

روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، پیمایشی و تحلیلی است. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نرم افزار SPSS ۲۴ در رایانه ثبت شده است. سپس داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی تنظیم شده است. در بخش آمار توصیفی از جداول توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و تعمیم نتایج از آزمون‌های، ضریب همبستگی و رگرسیون استفاده شده است.

ابزار پژوهش:

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه است. پرسشنامه استاندارد محقق ساخته سواد رسانه ای (فلسفی، ۱۳۹۳) و پرسشنامه آسیب های فضای مجازی (زندوانیان و همکاران، ۱۳۹۲) و پرسشنامه سبک فرزند پروری (حسین پور، ۱۳۸۱) استفاده شد.

پرسشنامه استاندارد سواد رسانه ای (فلسفی، ۱۳۹۳): اعتبار یا روایی با این مسئله سر و کار دارد که یک ابزار اندازه گیری تا چه حد چیزی را اندازه می گیرد که ما فکر می کنیم (سرمد و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش فلسفی (۱۳۹۳) به اعتبار قابل قبول در این پژوهش، ابتدا طی جلسات متعدد با کمک استاد راهنما به انتخاب معتبرترین شاخص های گردآوری شده از بین شاخص های حاضر در پرسش نامه های موجود و آزمون شده قبلی، اقدام نمودیم. علاوه برآن، تمامی گویه های استخراج شده در اختیار چند تن از اساتید و کارشناسان مرتبط با موضوع مورد مطالعه قرار گرفت. اشتراک نظر آنها بر گویه ها، مبنی بر معتبر بودن سنجه مورد نظر بود.

پرسشنامه آسیب های فضای مجازی (زندوانیان و همکاران، ۱۳۹۲)

پرسشنامه آسیب های فضای مجازی توسط زندوانیان و همکاران (۱۳۹۲) طراحی شده است. این پرسشنامه از ۳۰ عبارت یا گویه تشکیل شده است که ۵ مولفه یا خرده مقیاس را مورد سنجش قرار می دهند. خرده مقیاس های پرسشنامه عبارت اند از خانوادگی، تحصیلی، سازگاری، اعتقادی- عبادی، روانی. **شیوه نمره گذاری و تفسیر:** این پرسشنامه، بر درجه بندی دوگانه صورت بندی شده است. بیشترین تاثیر= ۵ و کمترین تاثیر= ۱. برای محاسبه امتیاز هر زیرمقیاس، نمره تک تک گویه های مربوط به آن زیرمقیاس را در هر وسیله با هم جمع کنید. برای محاسبه امتیاز کلی پرسشنامه در هر وسیله، نمره همه گویه های پرسشنامه را با هم جمع کنید. دامنه امتیاز این پرسشنامه در هر وسیله بین ۳۰ تا ۱۵۰ خواهد بود. هر چه امتیاز حاصل شده از این پرسشنامه در هر وسیله بیشتر باشد، نشان دهنده میزان بیشتر آسیب های آن خواهد بود و بالعکس.

پرسشنامه الگوفرزند پروری

پرسشنامه ۳۰سوالی شیوه های فرزند پروری (بامریند) که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه شده است. این پرسشنامه شیوه های فرزند پروری والدین را در سه عامل اندازه گیری می کند که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی

مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری شده است که با جمع نمره های سوال های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سوالات نمره مجزا بدست می آید. روایی و پایایی این پرسشنامه تایید شده است بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش ((اقتراقی)) استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استیدادی رابطه منفی با سهل گیری ($r=0/38$) و اقتدار منطقی ($r=0/48$) دارد. و شیوه سهل گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدار منطقی او نداشت ($r=0/7$) (مهرافروز، ۱۳۷۸).

یافته ها:

جدول ۱. خلاصه مدل رگرسیون

مدل	متغیرهای پیش بین	ضریب استاندارد	آماره آزمون t	سطح معناداری
۱	سواد رسانه ای	-۰/۲۹۲	-۲/۵۵۳	۰/۰۱۲
	شیوه های فرزندپروری	-۰/۵۶۶	-۴/۹۴۱	۰/۰۰۰
متغیر ملاک: آسیب های فضای مجازی				
نتایج تحلیل رگرسیون $stg = 0.000$ $F = 109.825$				

آنچه از جدول ۱ می توان دریافت، معنادار بودن ضرایب سواد رسانه ای و شیوه های فرزندپروری است. بدین ترتیب با توجه به علامت ضرایب، با افزایش سواد رسانه ای آسیب های فضای مجازی کاهش پیدا می کند. این تفسیر برای شیوه های فرزندپروری هم صدق می کند. در قسمت نتایج تحلیل رگرسیون مشاهده می شود که آزمون F معنادار است. بدین ترتیب مدل کلی تأیید می شود. یعنی سواد رسانه ای و شیوه های فرزندپروری در کاهش آسیب های فضای مجازی مؤثر هستند و فرضیه اصلی تأیید می گردد.

جدول ۲ رگرسیون سواد رسانه ای و سبک مستبدانه با آسیب های فضای مجازی				
مدل	متغیرهای پیش بین	ضریب استاندارد	آماره آزمون t	سطح معناداری
۱	سواد رسانه ای	-۰/۳۰۴	-۵/۲۷۶	۰/۰۰۰
	سبک مستبدانه	۰/۶۷۶	۱۱/۷۲۴	۰/۰۰۰

جدول ۲ رگرسیون سواد رسانه ای و سبک مستبدانه با آسیب های فضای مجازی
متغیر ملاک: آسیب های فضای مجازی
نتایج تحلیل رگرسیون $F = 257.891$ $sig = 0.000$

آنچه از جدول ۲ می توان دریافت، معنادار بودن ضرایب سواد رسانه ای و سبک مستبدانه است. بدین ترتیب با توجه به علامت ضرایب، با افزایش سواد رسانه ای آسیب های فضای مجازی کاهش پیدا می کند. در حالی که برای سبک مستبدانه نتیجه تغییر می کند. بدین معنا که با افزایش شیوه استبدادی در فرزندپروری، آسیب های فضای مجازی نیز افزایش می یابد. در قسمت نتایج تحلیل رگرسیون مشاهده می شود که آزمون F معنادار است. بدین ترتیب مدل کلی تأیید میشود. یعنی سواد رسانه ای و سبک مستبدانه با آسیب های فضای مجازی رابطه معناداری دارند. و فرضیه فرعی اول تأیید می گردد.

جدول ۳ رگرسیون سواد رسانه ای و سبک مقتدرانه با آسیب های فضای مجازی				
مدل	متغیرهای پیش بین	ضریب استاندارد	آماره آزمون t	سطح معناداری
۱	سواد رسانه ای	-۰/۳۶۸	-۳/۲۴۰	۰/۰۰۲
	سبک مقتدرانه	-۰/۴۸۴	-۴/۲۶۴	۰/۰۰۰
متغیر ملاک: آسیب های فضای مجازی				
نتایج تحلیل رگرسیون $F = 101.706$ $sig = 0.000$				

آنچه از جدول ۳ می توان دریافت، معنادار بودن ضرایب سواد رسانه ای و سبک مقتدرانه است. بدین ترتیب با توجه به علامت ضرایب، با افزایش سواد رسانه ای آسیب های فضای مجازی کاهش پیدا می کند. این تفسیر برای سبک مقتدرانه هم صدق می کند. در قسمت نتایج تحلیل رگرسیون مشاهده می شود که آزمون F معنادار است. بدین ترتیب مدل کلی تأیید میشود. یعنی سواد رسانه ای و سبک مقتدرانه با آسیب های فضای مجازی رابطه معناداری دارند. و فرضیه فرعی دوم تأیید می گردد.

جدول ۴ رگرسیون سواد رسانه ای و سبک سهل انگار با آسیب های فضای مجازی				
مدل	متغیرهای پیش بین	ضریب استاندارد	آماره آزمون t	سطح معناداری

جدول ۴. رگرسیون سواد رسانه ای و سبک سهل انگار با آسیب های فضای مجازی				
۱	سواد رسانه ای	-۰/۱۶۱	-۳/۴۳۱	۰/۰۰۱
	سبک سهل انگار	۰/۸۲۶	۱۷/۶۳۵	۰/۰۰۰
متغیر ملاک: آسیب های فضای مجازی				
نتایج تحلیل رگرسیون $F = 483.549$ $sig = 0.000$				

آنچه از جدول ۴ می توان دریافت، معنادار بودن ضرایب سواد رسانه ای و سبک سهل انگار است. بدین ترتیب با توجه به علامت ضرایب، با افزایش سواد رسانه ای آسیب های فضای مجازی کاهش پیدا می کند. ولی در مورد متغیر سبک سهل انگار، تفسیر متفاوت است. یعنی با افزایش سهل انگاری در شیوه فرزندپروری، آسیب های فضای مجازی افزایش می یابد. در قسمت نتایج تحلیل رگرسیون مشاهده می شود که آزمون F معنادار است. بدین ترتیب مدل کلی تأیید میشود. یعنی سواد رسانه ای و سبک سهل انگار با آسیب های فضای مجازی رابطه معناداری دارند. و فرضیه فرعی سوم تأیید می گردد.

نتیجه گیری:

" بین نقش سواد رسانه ای و سبک فرزندپروری با آسیب های فضای مجازی در مقطع پنجم دبستان رابطه معناداری وجود دارد."

می توان دریافت، معنادار بودن ضرایب سواد رسانه ای و شیوه های فرزندپروری است. بدین ترتیب با توجه به علامت ضرایب، با افزایش سواد رسانه ای آسیب های فضای مجازی کاهش پیدا می کند. این تفسیر برای شیوه های فرزندپروری هم صدق می کند. در قسمت نتایج تحلیل رگرسیون مشاهده می شود که آزمون F معنادار است. بدین ترتیب مدل کلی تأیید میشود. یعنی سواد رسانه ای و شیوه های فرزندپروری در کاهش آسیب های فضای مجازی مؤثر هستند و فرضیه اصلی تأیید می گردد.

همانطور که در بخش مبانی نظری بیان شد این فرضیه براساس نظریه ی بورديو و گیدنز بنیان گردیده است. به نظر بورديو سبک های تربیتی محور منازعه افراد درون میدان به شمار می آیند. بورديو معتقد است ذائقه ها و اولویت های فرزندپروری محصول عادت واره و سبک های زندگی خاصی است که افراد در طی زندگی انتخاب کرده اند (پاتن، ۲۰۱۸).

طبق نظر گیدنز معتقد است که ویژگی خاص مدرنیته، پویایی، تأثیر جهان گستر و تغییر دادن رسوم سنتی و ایجاد سبک های زندگی متنوع و متعدد است که این تغییرات خود را در قالب شیوه های فرزندپروری متفاوت نشان می دهند (گیدنز، ۲۰۰۳).

در تبیین نتایج این فرضیه می توان گفت، برای مقابله با ناامنی در مسائل خانوادگی باید اولویت خانواده ها بر روابط مبتنی بر واقعیت، مهرورزی، عاطفه و عشق استوار باشد و فضای مجازی به عنوان مکمل فضای حقیق در این زمینه قرار گیرد. اگر ارتباطات مجازی نقش مکمل داشته باشند مفیدتر به نظر میرسند و نقش تکمیل کنندگی را بهتر می توانند در امنیت خانواده ها ایفا کنند. همچنین هنگامی که به دلایلی نتوانند افراد خانواده دور هم باشند فضای مجازی می تواند با امکانتی و داشتن

بستری مناسب عواطف خانوادگی و عشق بین افراد خانواده را محکمتر به نمایش در آورد. همواره باید رابطه حقیقی خانواده را در نظر گرفت و در جهت میل به آن حرکت کرد و جایگزینی برای آن نباید انتخاب کرد و نباید جایگزین نامناسبی اجازه داد تا به جای رابطه حقیقی بنشینند.

از طرف دیگر مهم ترین عامل ارتقاء امنیت کاربران و خانواده در فضای مجازی افزایش مهارت خود کاربران در استفاده از فضای مجازی است. سواد رسانه ای والدین نقشی بسیار اساسی در کاهش آسیب های فضای مجازی و افزایش امنیت و ایمنی خانواده ها دارد، چراکه اعضای خانواده با مهارت و سواد رسانه ای بیشتر می توانند امنیت بیشتری در فضای مجازی داشته باشند. کاربران دارای مهارت و دانایی بیشتری هنگام حضور در شبکه های اجتماعی و مرور وب سایت ها و ... و دربارنشر مطالب و محتوا در فضای مجازی دقت و وسواس بیشتری به کار می برند. نتایج این فرضیه با پژوهش های پاتر (۲۰۲۰)، منادی (۲۰۱۹)، گایندنس (۲۰۲۰) و ناکایاما (۲۰۲۰)، بانت (۲۰۱۸)، همسو و هم راستا است.

References:

۱. Bourdieu, P. (2020). Action Theory: Practical Reasons, Translated by M. Mardiha, Tehran: NaghshNegar Publication.
۲. Bennet, A. (2018). Culture and Everyday Life, Translated by. L. Joharafshani & H. Chavooshian, Tehran: Akhtaran Publication.
۳. Bourdieu, P. (2019), Distinction, London, London: Routledge & Kegan Paul.
۴. Diergarten, A. K., Möckel, T., Nieding, G., & Ohler, P. (2017). The impact of media literacy on children's learning from films and hypermedia. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 48, 33-41.
۵. Giddens, A (2018). The Consequences of Modernity Translated by M.Salasy, Tehran: Markaz Publication.
۶. Giddens, A (2019). Modernity and Self Identity: Self and Society in the late modern age, Translated by N.Movafaghian, Tehran: Nay Publication.
۷. Giddens, A.(2020). The perspective of the family, Translated by Mohammad Reza Jalieipoor, Magazine of Aftab, The third year, Number 29, 54.
۸. Monadi, A. M. (2019). Impact of parenting practices on youth social and cultural character, *Journal of Family & Research*, 2: 27- 54.
۹. Ofcom (2014). Ofcom's Strategy and Priorities for the Promotion of Media Literacy. From Ofcom official website: <http://stakeholders.ofcom.org.uk/consultations/stategymedialit>.
۱۰. Paton, G. (2018) Infants 'unable to use toy building blocks' due to iPad addiction. The Telegraph, 02 April. Available at: <http://www.telegraph.co.uk/education/educationnews/01727272/Infants-unable-to-use-toy-building-blocks-due-to-iPad-addiction.html>.

۱۱. Potter, W, James. (2020). Argument for the Need for a Cognitive Theory of Media Literacy. *American Behavioral Scientist*, 48, 266.
۱۲. UNESCO-Paris agenda. (2017). The Paris Agenda. Recommendations for Media Education.
۱۳. Olla, M. B., Daulima, N. H. C., & Putri, Y. S. E. (2019). The experience of parents implementing authoritarian parenting for their school-age children. *Enfermeria clinica*, 28, 122-125.
۱۴. Nakayama, M. (2020). Parenting style and parental monitoring with information communication technology: A study on Japanese junior high school students and their parents. *Computers in Human Behavior*, 27(5), 1800-1805.